

The Importance and Social Functions of Tawalla and Tabarra in the Islamic Lifestyle

Ruhollah Mohammadi¹

Farzaneh Akbarpanah²

Received: 20/08/2019

Accepted: 14/07/2020

Abstract

Islamic lifestyle is a set of insights, attitudes, values, and behavioral patterns using Islamic teachings that people choose as a way of life. The current paper, with the aim of answering the question "What is the importance and social functions of Tawalla (loving of Ahlulbayt) and Tabarra (disassociation with those who oppose God and those who caused harm to and were the enemies of the Islamic prophet Muhammad or his family) in the Islamic lifestyle?" examines this issue using description and analysis and in a library method. Accordingly, one of the important principles of social lifestyle is the principle of Tawalla and Tabarra that organizes and directs the human attitude and determines his way of life in society and plays an important role in demarcating individuals in the arena of action. In this way, social unity and cohesion, directing communications and social behaviors, avoiding the conspiracies of the enemy, resolving the problems of the people, etc. are among the most important social functions of Tawalla and Tabarra in the Islamic lifestyle.

Keywords

Tawalla, Tabarra, love and hate, function of Tawalla and Tabarra, lifestyle.

1. Assistant professor of the department for the Qur'an and Hadith Sciences at University of Sciences and Knowledge of the Holy Qur'an, Shahroud University, Iran (author in charge). roohollah.mohammadi88@gmail.com.

2. M. A. graduated from University of Sciences and Knowledge of the Holy Qur'an Faculty of Qur'anic Sciences, Mashhad, Iran. farzaneh.akbarpanah@gmail.com

اهمیت و کارکردهای اجتماعی تولی و تبری در سبک زندگی اسلامی

روح‌الله محمدی^۱ فرزانه اکبرپناه^۲
 تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۴

چکیده

سبک زندگی اسلامی، مجموعه‌ای از بینش‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری مستفاد از آموزه‌های اسلامی است که افراد آن را به‌عنوان شیوه زندگی برمی‌گزینند. نوشتار حاضر، با هدف پاسخ به این سؤال که «تولی و تبری در سبک زندگی اسلامی چه اهمیت و کارکردهای اجتماعی دارد» با استفاده از توصیف و تحلیل و به روش کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع می‌پردازد. براین اساس، یکی از اصول مهم سبک زندگی اجتماعی، اصل تولی و تبری است که نگرش انسان را سامان و جهت می‌بخشد و شیوه زیست وی در اجتماع را تعیین می‌کند و نقش مهمی در مرزبندی افراد در حوزه عمل دارد. از این رهگذر، وحدت و انسجام اجتماعی، جهت‌دهی ارتباطات و رفتارهای اجتماعی، درمان‌ماندن از توطئه‌های دشمن، رفع گرفتاری‌های مردم و ... از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی تولی و تبری در سبک زندگی اسلامی‌اند.

کلیدواژه‌ها

تولی، تبری، حبّ و بغض، کارکرد تولی و تبری، سبک زندگی.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی شاهرود، ایران
 roohollah.mohammadi88@gmail.com (نویسنده مسئول).

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مشهد، ایران.
 farzaneh.akbarpanah@gmail.com

* محمدی، روح‌الله؛ و اکبرپناه، فرزانه. (۱۳۹۹). اهمیت و کارکردهای اجتماعی تولی و تبری در سبک زندگی اسلامی (استاد راهنما: روح‌الله محمدی). پایان‌نامه کارشناسی. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شاهرود، ایران، گروه تفسیر قرآن کریم. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۲۹)، صص ۹۶-۱۲۳.

Doi:10.22081/JISS-1908-1553

مقدمه

یکی از اصول مهم در سبک زندگی اسلامی اصل تولی و تبری است که کارکردهای مختلفی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. تولی و تبری به‌طورذاتی در سرشت انسان نهادینه شده است؛ چراکه آدمیان به‌گونه‌ای خلق شده‌اند که امور سازگار با خود را جذب، و امور ناسازگار با خود را دفع می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۶). این فرایند در گیاهان و حیوانات به صورت غریزی و به هدایت تکوینی الهی، همواره انجام می‌گیرد؛ اما در انسان، با توجه به نقش اراده، قدرت و اختیار، فرایند جذب و دفع وابسته به اقدام آگاهانه او است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۸۲).

تولی و تبری به معنای دوست داشتن آنچه خدا دوست دارد و بیزاری از آنچه خداوند دوست ندارد، است؛ یعنی انسان از لحاظ عاطفی، قلب خود را از محبت خدا و جانشینان به‌حق آنان و مؤمنان پر کند و درعین حال کینه دشمنان آنان را به دل بگیرد و از نظر سیاسی و اجتماعی، حکومت الهی را بپذیرد و از حکومت دشمنان اسلام، دوری جوید (شکوری، ۱۳۷۷، ص ۴۴۶).

عصر حاضر که عصر تکنولوژی و پیشرفت است و انسان‌ها برای رسیدن به پیشرفت‌های مادی و ظاهری تلاش می‌کنند، رفتارهای انسان‌ها دچار خدشه شده و معنویات و اصول اخلاقی تا حدودی کنار گذاشته شده‌اند؛ اما باید دانست که اگر بشر در زندگی فردی و اجتماعی خود تنها خدا و اولیای او را سرمشق خود قرار دهد، از راه درست هرگز خارج نمی‌شود و بسیاری از نابسامانی‌های زندگی وی حل خواهد شد. دین اسلام که برای هدایت انسان در همه زمان‌ها نازل شده، به این اصل مهم - یعنی تولی و تبری - توجه کرده است؛ اصلی که سعادت دنیا و آخرت در آن نهفته است. پس ضروری است که این اصل و کارکردهای آن برای جامعه تبیین گردد تا راه‌حلی برای بسیاری از مشکلات باشد.

هدف این جستار، بیان اهمیت و تبیین کارکردهای اجتماعی تولی و تبری در سبک زندگی اسلامی است. از آنجا که به این مسئله مهم و کارکردهای آن در تحقیقات گذشته توجه کافی نشده است، این نوشتار به بررسی این مسئله می‌پردازد.

۱. پیشینه تحقیق

بحث از آیین و روش زندگی در ادیان الهی یا بشری، به مفهوم عام، از دیرباز مطرح بوده است؛ اما موضوع «سبک زندگی» به عنوان یک اصطلاح، در گذشته به صورت مستقل مطرح نبوده، بلکه بخشی از محتوای آن (با تسامح در معنی) در ضمن مسائل دیگر مانند آیین و آداب زندگی و برنامه زندگی عنوان شده است.

بررسی پیشینه موجود در زمینه سبک زندگی در ایران نشان می‌دهد سابقه پژوهش در این زمینه عمر طولانی ندارد؛ البته از سال ۱۳۸۰ تاکنون اقبال محققان به سوی این موضوع بیشتر شده است. در عین حال، بررسی منابع نشان می‌دهد تاکنون مطالعه‌ای که اختصاصاً در مورد اهمیت و کارکردهای اجتماعی تولی و تبری در سبک زندگی باشد، انجام نشده است. با وجود این در مورد تولی و تبری مطالعاتی صورت گرفته است، مثل: ۱. کتاب تولی و تبری در قرآن نوشته قدرت‌الله فرقانی، جعفر وفا و احمد حیدری (۱۳۹۰)؛ در این کتاب انواع ولایت، حد و مرز و فلسفه تولی و تبری، شیوه‌های برائت، تولی و تبری در سیاست خارجی، مظاهری از تولی و تبری بررسی شده است. ۲. پایان‌نامه آثار تربیتی، سیاسی و اجتماعی تولی و تبری، نوشته علی نیکویی (۱۳۸۴)؛ این پژوهش آثار تربیتی (هدایت، آرامش، پویایی و تحرک، دست‌یافتن به الگوهای مناسب)، آثار سیاسی (نفی حاکمیت طواغیت، جهاد و مبارزه) و آثار اجتماعی (خدمت‌رسانی، آزادی، کنترل و نظارت، تعاون) تولی و تبری را از نگاه قرآن مورد پردازش قرار داده است. ۳. پایان‌نامه مصادیق و معیارهای تولی و تبری در قرآن و حدیث، نوشته فاطمه احمدی (۱۳۹۳)؛ در این پایان‌نامه معیارهای تولی (ایمان، تقوا، صداقت و...)، معیارهای تبری (دشمنی با خدا، بدخواهی، فسادگری و...)، مصادیق تولی (خداوند، رسول اکرم، اهل بیت، علما)، مصادیق تبری (کافران، منافقان و...)، آثار دنیوی (بندگی خدا، استكمال دین، حکمت) و آثار اخروی تولی و تبری (امنیت در قیامت، ورود به بهشت و...) مورد واکاوی شده است. ۴. مقاله «فلسفه تولی و تبری از نگاه قرآن و روایات»، نوشته عبدالله جوادی آملی (۱۳۸۷)؛ این مقاله در مجله پاسداران چاپ شده است. در این پژوهش مفهوم و حقیقت تولی و تبری، مودت اهل بیت، شرایط تحقق

توکی و تبرّی (معرفت، تلازم توکی و تبرّی، اقتدای عملی به اولیای الهی و انزجار عملی از دشمنان و...)، آثار محبت اهل بیت علیهم السلام و فلسفه توکی و تبرّی بررسی شده است. در عین حال در هیچ یک از این منابع به مسئله کارکردهای اجتماعی توکی و تبرّی در سبک زندگی اسلامی از نگاه قرآن و روایات معصومان علیهم السلام پرداخته نشده است که هدف این نوشتار است.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. توکی

از ماده «وکی»، در لغت به معنای پذیرش ولایت است. «وکی» در زبان عرب به معنای دوست، یاور و سرپرست آمده است. چنان که مصدر آن «ولایت» نیز به معنای دوستی و سرپرستی به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۰۷؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، صص ۶۷۲-۶۷۳). معنای اصلی واژه «وکی»، نزدیکی (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶، ص ۲۵۲۸) و قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است به نحوی که فاصله‌ای در کار نباشد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۴۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵۵).

توکی از یک جهت به معنای پذیرش دوستی و از جهت دیگر به معنای پذیرش سرپرستی و کسی را سرپرست خود قرار دادن است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۶۲۷۲؛ معین، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷۰). گاه بدون حرف «عن» و گاه با «عن» به کار می‌رود. در صورتی که بدون حرف «عن» استفاده شود، به همان معنای لغوی، یعنی نزدیکی و توجه کردن، دوست‌دانستن کسی و پیروی کردن از او، وکی گرفتن وی و یاری رساندن به او ذکر شده و در صورتی که با حرف «عن» به کار رود به معنای اعراض و روی گرداندن است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۵۲۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۶).

با توجه به موارد مختلف کاربرد این کلمه در قرآن و روایات می‌توان نتیجه گرفت که اصل واحد و مفهوم مشترک مشتقات ماده توکی، قرب و نزدیکی است که همان دوستی و تحت ولایت کسی یا چیزی قرار گرفتن است که از آثار آن یاری رساندن و پشتیبانی کردن است.

۲-۲. تبرّی

از ماده «تَبَرَّأَ» و به معنای بیزاری جستن، دوری گزیدن (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، صص ۴۶-۴۷؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ج ۱، ص ۲۴۹) و کناره گیری از چیزی است که انسان از نزدیک شدن به آن تنفّر دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۲۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۴). تبرّی دوری جستن از فرد و جریان‌ی است که جهت الهی ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۷۰، ص ۱۵) و هم‌نشینی با آن خوشایند نیست (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۳۲۱). تبرّی در قرآن کریم به معنای کنارشدن و بیزاری جستن آمده است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷۳)؛ چنان که می‌فرماید: «فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ...؛ هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خدا است، از او بیزاری جست» (توبه، ۱۱۴).

ماده تبرّی در ۲۷ آیه از ۲۰ سوره قرآن، ۳۰ بار تکرار شده است و کاربردهای قرآنی (توبه، ۱۱۴؛ الممتحنه، ۴؛ یونس، ۴۱؛ هود، ۵۴؛ یوسف، ۳۷-۳۸) و روایی (مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، صص ۵۱-۶۴)، کم و بیش در مفهوم لغوی و به همان معنای دوری جستن و اظهار بیزاری از کسی یا چیزی به کار رفته است.

۲-۳. سبک زندگی

عبارت «سبک زندگی» در زبان‌های مختلف به شکل‌های مختلف به کار رفته است. در زبان آلمانی «lebensstil» و در زبان انگلیسی در گذشته در شکل «life style» و «style of life living» و امروزه بیشتر به صورت «lifestyle» استفاده شده است (مهدوی کنی، ۱۳۹۰، ص ۴۶). واژه سبک در زبان عربی مصدر ثلاثی مجرد، به معنی گداختن و به‌قالب ریختن زر و نقره است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۱۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۴۳۸). معادل واژه «سبک» در زبان عربی تعبیر «اسلوب» و روش خاصی که شاعر یا نویسنده، احساس خود را بیان می‌کند، به کار رفته است (بهار، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۸)؛ اما مفهوم «سبک» فراتر از آن است که بدان اشاره شد؛ چنان‌که در کتاب الشعر و الشعراء ابن‌قتیبه (م ۲۷۰ق)، واژه سبک به معنی طرز، شیوه، سیاق و طریقه به کار رفته است (آذرنوش، ۱۳۴۹، صص ۹۱-۹۲).

در کتاب‌های لغت انگلیسی، تعریف‌هایی متفاوتی برای اصطلاح «سبک زندگی» ارائه شده است. گاهی توضیح واژگانی از ترکیب «سبک زندگی» است، مانند «روش نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ» (ویستر، ۱۳۷۹، ص ۶۷۲) یا «روش خاصی که یک فرد یا گروهی از مردم بر اساس آن کار و زندگی می‌کنند» (Oxford Advanced Learner's Dictionary, 1987, p. 743). این ترکیب گاهی به معنای اصطلاحی آن در علوم اجتماعی و روان‌شناسی به کار رفته است: شیوه زندگی که بازتاباننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... که با هم، طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد (آتشین‌صدف، ۱۳۹۲، ص ۱۵، به نقل از لغت‌نامه رندم هاوس). سازمان بهداشت جهانی سبک زندگی را الگوهای مشخص و قابل تعریف رفتار می‌داند که از تعامل بین ویژگی‌های شخص و موقعیت‌های محیطی و اجتماعی اقتصادی حاصل می‌شود (Kerr, 2000, p. 75).

با توجه به تعریف‌های بیان‌شده می‌توان نتیجه گرفت سبک زندگی مجموعه‌ای از نگرش‌ها، باورها و رفتارها و جهت‌گیری‌های افراد در زندگی است.

۲-۴. سبک زندگی اسلامی

از آنجاکه واژه «سبک زندگی» از واژه‌های متداول در سده اخیر است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان معادلی برای آن در فرهنگ اسلامی یافت. به نظر می‌رسد با همه اختلاف مفهومی و ماهیتی که دو عبارت «سبک زندگی» و «سیره و سنت» دارند، می‌توان این دو عبارت را در فرهنگ اسلامی بر یکدیگر منطبق دانست (فیضی، ۱۳۹۲، صص ۳۱-۳۲).

طبق تفسیری که دین را به معنای روش و شیوه زندگی معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۳، ص ۱۲)، دین به معنای تسلیم‌شدن نیست، بلکه روشی است که از طرف خداوند برای انسان‌ها ترسیم شده است و انسان‌ها باید بدان عمل کنند؛ از این رو سبک زندگی اسلامی، متشکل از دو عنصر «بینش» و «منش» اسلامی است. بینش همان باورها و اعتقادات اسلامی سبک زندگی را تشکیل می‌دهد و منش دو بعد اخلاق و ارزش‌های

اسلامی و حقوقی را شامل می‌شود که این دو با هم به رفتار افراد معنی می‌بخشند. در این صورت هسته مرکزی سبک اسلامی را خداباوری تشکیل می‌دهد که شالوده دین اسلام است و با دیگر اعتقادات اسلامی، زنجیره‌ای از آداب را پدید می‌آورد که خود بُعدی از هستی اجتماعی می‌شود. مفهوم اسلامی بودن، انعکاس «مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها می‌باشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۹۳) و هدف از سبک زندگی اسلامی، ایجاد نظام اسلامی و جامعه دینی و به اصطلاح حیات طیبه‌ای است که اسلام وعده تحقق آن را داده است که شالوده آن را ایمان و عمل صالح تشکیل می‌دهد (نحل، ۹۷). جامعه‌ای متشکل از مجموعه افرادی که حول محور واحد (خدا محور) بسط یافته و دارای بینش‌ها و باورهای خاص است، در پرتو ایمان و تحت لوای فرهنگ و روش رفتاری واحد که برگرفته از تعالیم دینی و حیانی است، دارای هویت واحد دینی هستند.

از این رو می‌توان اذعان کرد، احکام جاودانه قرآن و سیره پیامبر ۹ و اهل بیت 7، بیانگر شیوه‌ای از زندگی است که سبکی از زندگی آرمانی و درعین حال واقع‌گرایانه‌ای را پیشنهاد کرده است.

۳. اهمیت تولی و تبری در سبک زندگی

مجموعه اصول و فروع دین از یک قاعده «نفی» و «اثبات» پیروی می‌کند؛ چنان‌که «اثبات» بدون «نفی» و نفی بدون اثبات به تنهایی ثمره نخواهد بود. به گفته تمام تواریخ، جمله «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تُفْلِحُوا» اولین شعار پیامبر اکرم ۹ از جانب خدا است (یعقوبی، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۲۴؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۶۵؛ عقیلی حلبی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۳۶۱۴). اولین حرف دعوت پیامبر ۹ درباره اولین اصل دین مبین اسلام، کلمه «لا» است که به معنی «نه» و در مقام «نفی» است؛ نفی تمام «اله‌ها» و پذیرش تنها معبود یعنی «الله». بدین معنی توحید با نفی آغاز می‌شود و با اثبات ادامه می‌یابد. خلاصه دین را هم می‌توان در «نفی و اثبات» یا به عبارت دیگر در «تبری و تولی» دانست.

از نظر اسلام، منطق زندگی بشری بر اساس اصول ثابتی است که سیره و سبک

زندگی افراد را شکل می‌دهد و شرایط اجتماعی، اوضاع اقتصادی، وضع طبقاتی باعث تغییر آنها نمی‌شود (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۶۴). از مهم‌ترین این اصول، «دوستی و دشمنی برای خدا» است.

تولّی و تبرّی به‌عنوان یکی از فروع دین اسلام از نظر شیعه از مهم‌ترین اصول سبک زندگی اسلامی است که علاوه بر آیات^۱ و روایات بسیار^۲ (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۲، صص ۳۱۵-۳۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، صص ۵۱-۶۴)، در میان آثار فِرَق اسلامی مورد توجه قرار گرفته است و بسیاری از علمای شیعه و اهل سنت و دیگر فِرَق اسلامی از جمله پیروان اباضیه، مسئله تولّی و تبرّی را به‌گونه‌ای اثبات کرده‌اند که اعتقاد و التزام‌نداشتن به آن به معنای فقدان ایمان است (حداد عادل، ۱۳۸۰، ج ۸، ص ۶۰۴).

تولّی و تبرّی نقش روشنی در مرزبندی افراد در حوزه عمل و جایگاه مهمی به‌عنوان معیار و ترازوی سنجش اعمال مؤمنان دارد؛ چنان که از رسول خدا ﷺ نقل شده است: «الزُّمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ يُحِبُّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا وَالَّذِي نَفَسِيَ بِيَدِهِ لَا يَنْفَعُ عَبْدٌ بَعْمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِهِ بِحَقِّنَا» (مفید، ۱۴۱۳ق، صص ۱۳ و ۴۴).

این اصل یکی از عوامل ضروری برای حیات و تعالی هر فرد و جامعه در سبک زندگی وی است؛ زیرا نگرش انسان را سامان و جهت می‌بخشد و شیوه زیست وی در اجتماع را تعیین می‌کند. اگر در آیات قرآنی سخن از تولّی و تبرّی به میان می‌آید، در حقیقت از آن رو است تا شخص راه را گم نکند و در مسیری نادرست تحت تأثیر گفتمان‌های دیگر قرار نگیرد و ناخودآگاه در مسیری گام بردارد که دشمنان آن را تعیین و تلقین و تثبیت کرده‌اند.

۴. کارکردهای اجتماعی تولّی و تبرّی در سبک زندگی

باید دانست اقتدای عملی به خداوند و پیشوایانش و در مقابل انزجار و دشمنی با ائمه

۱. ر.ک: بقره، ۱۶۶؛ آل عمران، ۲۸؛ نساء، ۱۳۸ و ۱۴۴؛ مائده، ۵۷ و ۷۸-۸۰؛ توبه، ۱، ۳، ۱۶، ۲۳ و ۲۴؛ یونس،

۴۱؛ ممتحنه، ۱، ۴، ۹، ۱۳؛ زخرف ۲۶؛ مجادلّه ۲۲ و ...

۲. باب وجوب موالاة أولیائهم و معاداة أعدائهم، و ...

کفر و باطل، در سراسر زندگی فردی و جمعی آدمی ثمراتی باقی می‌گذارد. برخی از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی تولی و تبری در سبک زندگی عبارت‌اند از:

۴-۱. وحدت و انسجام اجتماعی

اتحاد و انسجام افراد جامعه، عامل صعود و اختلاف، سهمگین‌ترین سبب انحطاط جامعه است؛ به همین دلیل اسلام در دعوت افراد به وحدت اسلامی تأکید ورزیده و اتحاد را مایه عزت جامعه و تفرقه را خذلان و خفت‌زا می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، الف، ج ۱۷، ص ۳۵۴)؛ از این رو می‌توان گفت یکی از عوامل اقتدار امت اسلامی، وحدت و انسجام است؛ اما اتحاد و انسجام، عامل وحدت‌بخش لازم دارد و چه عاملی پایدارتر از توحید و ولایت الهی می‌توان یافت که رفتارها بلکه باورها را منسجم کند؛ همان توحیدی که با ولایت و مدیریت انسان‌های برگزیده رخ می‌نماید و قانون و مشیت مبتنی بر حقانیت الهی را مبنای دفع و رفع منازعات قرار می‌دهد (حاجی صادقی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱).

برخلاف عقیده توحیدی که اتحادی حقیقی را در جهان به تصویر می‌کشد، شرک نشانه‌ای از تکبر و اختلاف در مواجهه با مسائل است که مانعی درونی و تناقضی اجتماعی بر سر راه اتحاد می‌نشانند (حکیم، ۱۳۷۷، ص ۵۲۰). این بدان جهت است که مؤمنان تنها یک «ولی» دارند؛ اما مشرکان دارای اولیای متعددند: «اللَّهُ وَ لِي الَّذِيْنَ آمَنُوا يَخْرُجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِيْنَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يَخْرُجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ...» (بقره، ۲۵۷).

خداوند در این آیه شریفه کلمه «نور» را مفرد و کلمه «ظلمت» را جمع آورده تا اشاره کند حق همیشه یکی است و در آن اختلافی نیست، برخلاف باطل که متشتت و مختلف است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۴۶).

در سایه تولی و تبری نظام اسلامی از نظر ساختاری، از همبستگی اجتماعی بالایی برخوردار می‌شود و برای پیروی از دستورهای خدا و رسولش آماده می‌شود و با پیروی از خدا و رسول اکرم ﷺ و ترک نزاع (انفال، ۸ و ۴۶؛ نساء، ۵۹) و چنگ‌زدن به دین الهی (آل‌عمران، ۱۰۳) همگرایی‌ها و واگرایی‌ها منسجم خواهد شد.

براین اساس، از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی تولی و تبری در سبک زندگی می‌توان به انسجام اسلامی اشاره کرد. اتحاد موجب حفظ صلح، آرامش، امنیت و دورماندن از جنگ و خونریزی و جدایی می‌شود؛ چراکه حس نوع‌دوستی و همکاری متقابل را تقویت می‌کند و همه فتنه‌های اجتماعی را که از برتری‌جویی نژادی ناشی است، از بین می‌برد. قرآن از تفرقه، به کرانه گودال آتش جنگ یاد کرده است که اتحاد، خطر فروافتادن در چنین گودالی را برطرف می‌سازد (آل‌عمران، ۱۰۳) (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۶۹). با این طرز فکر در سبک زندگی اسلامی، اجتماع هماهنگ می‌شود و در سایه آن می‌تواند استقلال و عزت خود را همواره حفظ کند.

۲-۴. جهت‌دهی ارتباطات و رفتارهای اجتماعی

نگاهی گذرا به آموزه‌های قرآنی و روایی بیانگر آن است که مؤمن باید در شیوه ارتباطات و رفتارهای اجتماعی براساس بینش و نگرشی خاص عمل کند که اساس آن بر پایه تولی و تبری سامان یافته است. هرگاه سخن از امت اسلامی به میان می‌آید، اصولاً گروه‌های هم‌عقیده و هم‌هدفی هستند که معیار هم‌گرایی و واگرایی آنان در رفتارهای اجتماعی، براساس دستورهای دینی تنظیم شده است. هرچند ممکن است جوامع دیگر بشری برای برآوردن نیازهای مادی و غیرمادی خود و گاه حتی براساس خون و نژاد تشکیل شده باشند، اما امت را می‌توان از یک نظر، جامعه‌ای با مؤلفه‌ها و عناصر دیگری چون عقیده و هدف مشترک دانست. عقیده مشترک داشتن، به معنی سبک زندگی مشترک است که برگرفته از شریعت و هدف مشترک داشتن است؛ یعنی ایجاد جامعه سالم اسلامی که سعادت دنیوی و اخروی را در پی دارد. رفتارشناسی آیات قرآنی بیانگر آن است که مسلمان باید به هرگونه مظاهر شرک و کفر عکس‌العمل نشان دهد (انعام، ۷۴ و ۷۸؛ انبیاء، ۵۱-۶۷؛ شعراء، ۶۹-۷۷).

بنابر آنچه گفته شد یکی از مهم‌ترین کارکردهای تولی و تبری در سبک زندگی اسلامی، جهت‌دهی رفتارهای اجتماعی است؛ زیرا محور تمام کارهایی که انسان با اختیار انجام می‌دهد، میل و رغبت یا نفرت و کراهت است. انسان بدون محبت نمی‌تواند

زندگی کند. قرآن او را فاعل مختار و فاعل به اراده می‌داند. اختیار و اراده فرع بر علاقه است. انسان چیزی را اراده می‌کند که محبوب او باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۴۹).
 از آنجا که سبک زندگی اسلامی، شیوه‌ای از زیستن است که به فعالیت‌های فرد جهت خدایی می‌بخشد و او را به خدا نزدیک می‌گرداند، در روایات آمده است کسی که دوستی و دشمنی‌اش برای خدا نباشد، دیندار نیست؛ چنان‌که امام صادق ع 7 می‌فرماید: «كُلُّ مَنْ لَمْ يَحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَ لَمْ يَبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ» (کلینی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۳۰).

همچنین افرادی که با دشمنان خدا پیوند دوستی برقرار می‌کنند، ارتباطشان با خداوند و خداپرستان گسسته می‌شود و در نتیجه بهره‌ای برای آنان وجود نخواهد داشت. بی‌تردید اگر دوستی‌ها و دشمنی‌ها رنگ خدایی پیدا کند، پیوستن‌ها و گسستن‌ها نیز الهی می‌شود و در این صورت، ارتباطات انسان، جهت خاص (جلب رضایت خدا) به خود می‌گیرد و زمینه شکوفایی و تعالی فراهم می‌گردد و رفتارهای اجتماعی جهت می‌یابد (محمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۴)؛ زیرا انسانی که سبک زندگی‌اش اسلامی است، با اولیای خدا مأنوس می‌شود و سعی می‌کند تا اخلاق و رفتارش را شبیه آنان کند. طبق آموزه‌های دینی، کسی که خود را مسلمان می‌داند، باید دوستی و دشمنی‌اش دارای صبغه الهی باشد تا بدین وسیله، توحید در قوای درونی و بیرونی، شکلی یک‌پارچه در شخصیت پدید آورد؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...» (بقره، ۱۶۵)؛ از این رو معتقدان به تولی و تبرای اسلامی در پی تبعیت از ائمه ع 7 و عمل به آموزه‌های دینی مانند این فرموده امام علی ع 7 «مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَ لِيَتَجَلَّبِ الْوَرَعُ؛ هر کس ما را دوست دارد باید مانند ما عمل کند و لباس ورع و پرهیزکاری را بر خود بپوشاند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۱۷). سعی می‌کنند با پیروی از آنان و متخلق شدن به اخلاق آنان، از صفات زشت دوری‌گزینند و فضایل را در خود پرورش دهند. طبیعی است در چنین حالتی میان رفتارها همگرایی به وجود می‌آید.

بر اساس آنچه گذشت می‌توان ادعا کرد تولی و تبری نقش اساسی در جهت‌دادن

رفتارهای فرد در تعاملات اجتماعی دارد. چنین سبک زندگی که رفتارها و تعاملات افراد در آن همسو و هم‌جهت است، زمینه رشد و پیشرفت جامعه فراهم می‌شود.

۳-۴. درامان ماندن از توطئه‌های دشمنان

اسلام به استقلال جامعه چنان اهمیت می‌دهد که راضی نیست اندک آسیبی به آن وارد شود و بر ضرورت حفظ اسرار جامعه اسلامی از بیگانگان تأکید می‌کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۹). از این رهگذر با هر عاملی که به ضرر این انگیزه اسلامی باشد، مبارزه می‌کند (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۲)؛ بنابراین می‌فرماید: «فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره، ۱۳۷-۱۳۸).

خداوند در برخی از آیات ایجاد رابطه دوستی با اهل کتاب را به سبب کینه آنان به مسلمانان، ممنوع کرده است تا بدین وسیله از توطئه‌های دشمنان در امان باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَاغَةَ مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ قَدَ بَدَتِ الْبَعْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُحْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ * هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُواكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ...» (آل عمران، ۱۱۸-۱۱۹).

بهترین راه دریافتن دسیسه‌های دشمنان و شیطان و آگاه‌ساختن دیگران از کید آنان، رجوع به آیات قرآن کریم و احادیث معصومان ۷ است. قرآن کریم چهار گروه از دشمنان را نام برده است: «شیطان و همراهان او»، «کفار»، «برخی از اهل کتاب خصوصاً یهودیان» و «منافقان»؛ چنان‌که در سوره مائده یهودیان و مشرکان به‌عنوان دشمن‌ترین دشمنان معرفی شده‌اند: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...» (مائده، ۸۲).

کفار هم طبق صریح آیات قرآن هرگز خیرخواه اهل حق نیستند (بقره، ۱۰۵)، در راه خدا موانعی را برای باز ماندن مسلمانان از این راه ایجاد می‌کنند (انفال، ۳۶)، سعی و تلاش می‌کنند اهل حق را به کفر برگردانند (نساء، ۸۹)، علاقه‌مند به غفلت مسلمانان‌اند (نساء، ۱۰۲)

و نهایت تلاش خود را برای نابودی حق دارند.

بنابر آنچه گفته شد شناسایی دشمنان و تبری از آنان و تولی به خدا و و اولیاء الهی تنها راه درمان ماندن از توطئه‌های دشمنان است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده، ۵۶).

در فرهنگ قرآنی تولی و تبری مرز میان حق و باطل را روشن می‌سازد و موجب جدایی دوست از دشمن می‌گردد. این مرزبندی تا آنجا پیش می‌رود که پیامبر ۹، هم‌شکلی در لباس و غذا را نیز نهی فرموده است: «لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَلَا يَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۳؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۱۰).

در این دیدگاه، سلمان فارسی ایرانی که نه از خاندان پیامبر اکرم ۹ است و نه اهل مکه و نه عرب، براساس سخن معروف آن حضرت «سلمان منا اهل البيت» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۴۱؛ ثقفی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۸۲۳؛ کوفی، ۱۴۱۰، ص ۶۶۲؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۵۲). از خاندان ایشان به شمار می‌رود؛ اما فرزند نوح ۷ بر اثر بریدن از آیین پدر، از خاندان خود جدا می‌شود» (هود، ۴۶).

از مجموع آنچه بیان شد به‌خوبی فهمیده می‌شود درمان ماندن از توطئه‌های دشمنان از کارکردهای تولی و تبری در سبک زندگی است که امنیت اجتماعی را به دنبال دارد و از این طریق می‌توان بقای جامعه را حفظ کرد. خداوند در آیات ۱۵-۱۸ سوره سبأ از امنیت اجتماعی قوم سبأ یاد می‌کند که همین موجبات رونق و شکوفایی و پیشرفت اقتصادی آنان را فراهم کرده بود. همچنین قرآن از قوم یاجوج و ماجوج به‌عنوان قومی که با ستمگری و تجاوز به جوامع دیگر، قوم تهدیدکننده امنیت سیاسی و اجتماعی بودند، یاد می‌کند. تهدید امنیت به معنای تهدید اساسی و فسادگری در زمین است؛ چراکه فقدان امنیت، به معنای فقدان بستر لازم برای انجام وظیفه خلافت الهی انسان در قالب آبادانی زمین خواهد بود (هود، ۶۱). وقتی امنیت نباشد، نمی‌توان در مسیر آبادانی و توسعه زمین گام برداشت و حتی سازه‌ها و آبادانی‌های موجود نابود می‌شوند.

۴-۴. بی‌پروایی از ملامت‌ها

از دیگر کارکردهای تولی و تبری بی‌اعتنایی به ملامت‌ها و توجه نکردن به سرزنش‌های دیگران در بعد اجتماعی است؛ از این رو معتقدان به این اصل با اعتماد به نفس در راه خدا گام بر می‌دارند و از هیچ چیز جز او نمی‌ترسند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس، ۶۲).

اولیاء الله کسانی‌اند که دوستی‌شان در راه خدا و برای خدا است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۸۱). اینان ملاک دوستی و دشمنی‌شان خدای تعالی است و هر چه یا هر که را خدا دوست بدارد، دوست دارند و غیر آن را دوست ندارند؛ از این رو به ملامت دیگران نیز اعتنایی نمی‌کنند. علت آن نیز رسیدن به مرتبه رضا در اثر پابندی به اصل تولی و تبری است؛ چنان‌که نراقی درباره اولیاء الله می‌گوید: محبت او به مرحله‌ای می‌رسد که در دوستی غرق گردد و چنان غرق مشاهده جمال محبوب شود که اگر بلایی به او وارد شود، درد آن را درک نکند. محبت خداوند بالاترین محبت‌ها است؛ پس کسی که از آن بهره یافت ادراک غم نمی‌کند یا در محبت خداوند به مرتبه‌ای می‌رسد که همه بلاها را می‌فهمد و لیکن به خاطر خدا به آن راضی است (نراقی، ۱۳۸۷، ص ۶۷۰).

در زمان حال نیز اگر در سبک زندگی اسلامی مسلمانان از ملامت‌ها، سرزنش‌ها و تهدیدها نترسند، بسیاری از کارها با موفقیت انجام می‌شود. محبان الهی با اعتماد به نفس در راه خدا گام بر می‌دارند و از هیچ چیز جز او نمی‌ترسند. ایشان می‌دانند که قدرتی عظیم در پشت آنان است که همواره مراقب است و به کردارشان می‌نگرد. «سرزنش و جنگ روانی، حربه دشمنان دین برای جلوگیری از تلاش مسلمانان در جهت اعتلای دین خدا است» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۶۴).

۴-۵. رفع گرفتاری‌های مردم

انسان در هر دوره‌ای از زمان دچار مصائبی می‌شود؛ مشکلاتی که گاهی او را تا مرز ناامیدی پیش می‌برد. در این شرایط بزرگ‌ترین تکیه‌گاهی که می‌تواند مشکلات آنان را رفع کند، تنها خداوند است؛ اما خداوند یاری‌گر کسانی است که از مسیر

حق جدا نشده و هماره فرمانبردار اولیای الهی باشند.

امام صادق 7 در این باره می‌فرماید: «حُبُّ اللَّهِ إِذَا أَضَاءَ عَلَيَّ سِرَّ عَبْدٍ أَخْلَاهُ عَنْ كُلِّ شَاغِلٍ وَ كَلِّ ذِكْرِ سِوَى اللَّهِ عِنْدَ ظُلْمَةٍ وَ الْمُحِبُّ أَخْلَصَ النَّاسِ سِرًّا لِلَّهِ وَ أَصْدَقُهُمْ قَوْلًا وَ أَوْفَاهُمْ عَهْدًا وَ أَرْكَاهُمْ عَمَلًا وَ أَصْفَاهُمْ ذِكْرًا وَ أَعْبَدُهُمْ نَفْسًا تَتَّبَاهِيَ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ مُنَاجَاتِهِ وَ تَفْتَحُ بُرُوقِيَّتَهُ وَ بِهِ يَعْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى بِلَادَهُ وَ بِكَرَامَتِهِ يَكْرِمُ عِبَادَهُ يَعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوا بِحَقِّهِ وَ يَدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَايَا بِرَحْمَتِهِ فَلَوْ عَلِمَ الْخَلْقُ مَا مَحَلَّهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ مَنْزِلَتَهُ لَدَيْهِ مَا تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِتُرَابِ قَدَمِيهِ؛ فروغ دوستی خدا هرگاه بر نهان بنده‌ای بتابد، او را از هر مشغول‌کننده و هر یادی بیرون می‌آورد. هر یادی غیر از یاد خدا تاریکی است. دوست خداوند در پنهان خالص‌ترین، در سخن راستگوترین، در عهد و پیمان باوفاترین، در عمل پاک‌ترین، در یاد خدا برگزیده‌ترین و در نفس عابدترین است. فرشتگان هنگام مناجات آنها مباهات و با مشاهده آنها افتخار می‌کنند. خداوند سرزمین‌های خود را به سبب آنها آباد می‌کند و به بزرگواری آنها بندگان خود را بزرگ می‌دارد. هرگاه بندگان به بزرگواری آنها از خداوند چیزی بخواهند، خداوند به آنها می‌بخشد و گرفتاری‌های بندگان را به خیر و برکت وجود آنها برطرف می‌کند و اگر مردم بدانند که مقام او نزد خدا چگونه و منزلت او چه مقدار است، به چیزی جز، خاک جای پای آنها به خداوند تقرب نمی‌جویند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۲۳).

در جامعه‌ای که تولی و تبری نهادینه شده، افزون بر آنکه خداوند به برکت وجود محبان در گاهش گرفتاری‌های مردم را رفع می‌کند، معبان در گاه الهی نیز خیرخواه یکدیگرند. سخن امام محمدباقر 7 گویای این بحث است؛ چنان‌که امام 7 نشانه بهره‌مندی انسان از خیر و صلاح را دوستی برای خدا می‌داند؛ آنجا که می‌فرماید: «هرگاه خواستی بدانی که در تو خیری هست، به دلت نگاه کن. اگر اهل طاعت خدا را دوست و اهل معصیت خدا را دشمن داشتی، در تو خیری هست و خدا هم تو را دوست دارد؛ ولی اگر اهل طاعت خدا را دشمن و اهل معصیت خدا را دوست داشتی، خیری در تو نیست و خدا نیز تو را دشمن دارد. انسان با کسی است که دوستش دارد» (برقی،

۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۱۰؛ کلینی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۹۶).

یکی از کارکردهای اجتماعی تولی و تبری در سبک زندگی اسلامی، رفع گرفتاری‌های مردم است. براساس نظریه مازلو، انسان‌ها دارای نیازهای اساسی (فطری) از جمله نیازهای جسمی، نیاز به روابط اجتماعی، تأیید و احترام، ایمنی و خویش‌یابی هستند. اگر این نیازها ارضا نشود و فرد با محرومیت مواجه گردد، به تدریج می‌کوشد تا از راه‌های غیرهنجارمند آنها را برآورده سازد. نیاز به برقراری روابط دوستانه با دیگران، وابستگی فرد به گروه را افزایش می‌دهد و به محبوبیت داشتن در میان دیگران متمایل می‌سازد. از این طریق است که می‌کوشد خود را با هنجارهای آن گروه و جامعه سازگار گرداند. در صورت عدم ارضای این نیاز، تمایل فرد به کج‌روی افزایش می‌یابد (سلیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۶۶۳)؛ از این‌رو در سبک زندگی اسلامی ارتباط صمیمانه با دیگران و تلاش برای تأمین نیازهای مسلمانان و گام برداشتن برای تحقق نیازهای هم‌نوعان، دردها و نگرانی‌ها را کاهش داده، آنان را به پیوند مستحکم احساسات و اهداف مشترک سوق می‌دهد و بارقه امید را دل آنان روشن می‌سازد.

۴-۶. تقویت پیوند قلبی و عاطفی میان افراد جامعه

آنچه جامعه را به‌عنوان امت اسلامی به یکدیگر پیوند می‌دهد، عناصر خونی و قبیله‌ای و مانند آن نیست، بلکه ایمان و عقیده با هدف مشترک براساس دستورهای اسلام است. علم و آگاهی انسان به اندیشه‌ها و نیز رفتارهای درست و نادرست، بستر تولی و تبری جویی در شخص را فراهم می‌آورد. بدین سبب در آموزه‌های دینی توصیه شده است هرگاه دوستی و محبت کسی را در دل داری، با خبرش کن که پایه دوستی میان شما استوارتر خواهد گشت؛ چنان که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُعَلِّمُهُ فَإِنَّهُ أَصْلَحَ لِدَاتِ الْبَيْنِ» (راوندی، بی‌تا، ص ۱۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۳۵۵).

در مقابل، اعلام برائت نیز باید برای رضای الهی باشد؛ چنان‌که در طول تاریخ پیامبران ۷ از سوی خداوند مأمور بودند این‌گونه عمل کنند و بیزاری خویش را اعلان رسمی کنند (شعراء، ۱۶۸ و ۱۶۹؛ یونس، ۴۱؛ ممتحنه، ۴).

یکی از آثار چنین عملکردی، تقویت پیوند قلبی میان افراد جامعه است؛ زیرا

محکم‌ترین پیوند در میان انسان‌ها پیوند مکتبی است که سبب همگونی در اخلاق و رفتارهای انسانی می‌شود. بدیهی است آنها که یکدیگر را برای خدا دوست دارند، تعاملاتشان در جامعه، شکل خاصی به خود می‌گیرد. بر اساس این اصل، میان افراد جامعه پیوند قلبی و عاطفی برقرار می‌شود و با ازبین رفتن اختلافات موجب بقای روح برادری میان افراد می‌گردد.

شهید مطهری در این باره می‌گوید: دوستی‌هایی که در راه خدا شکل می‌گیرند، مبنای‌شان اموری ثابت و عامل انعقاد آنها اطاعت و رضایت الهی است. این‌گونه دوستی‌ها پایدارترند و در سختی و آسانی همراه هم هستند، برخلاف دوستی‌هایی که معمولاً بر پایه منفعت طلبی باشند، که با اندک مشکلی به جدایی می‌انجامند (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۲۰)؛ بنابراین رابطه‌هایی که بر پایه عوامل دنیوی هستند، زودگذرند و دیر یا زود، به دشمنی تبدیل می‌شوند؛ اما دوستی‌هایی که بر پایه محبت به خدا شکل می‌گیرند، پایدارترند. امام علی ۷ می‌فرماید: «الْإِخْوَانُ فِي اللَّهِ تَعَالَى تَدْوَمُ مَوَدَّتُهُمْ لِدَوَامِ سَبَبِهَا» (تیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۲۲) و «الْإِخْوَانُ فِي الدُّنْيَا تَنْقَطِعُ مَوَدَّتُهُمْ لِسُرْعَةِ انْقِطَاعِ أَسْبَابِهَا» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۳).

در بسیاری از زمینه‌های اجتماعی و ارتباطات انسانی، اهرم محبت برای خدا کارسازتر از عوامل دیگر است؛ زیرا عامل آن دوستی، دائمی است و علاوه بر دنیا، در آخرت نیز این همنشینی پابرجا خواهد ماند؛ چنان‌که پیامبر اکرم ۹ در این باره می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ عَبْدَيْنِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ أَحَدُهُمَا بِالْمَشْرِقِ وَ الْآخَرُ بِالْمَغْرِبِ لَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ قَالَ النَّبِيُّ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ» (شعیری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۲۵۲).

از آنجاکه روابط سازنده و سالم انسانی در پرتو محبت به وجود می‌آید، بدون حب و بغض ایمانی، روابط میان فردی بر مدار هوا و هوس‌ها شکل می‌گیرد؛ در نتیجه بسیار زود از هم گسسته می‌گردد. در این شرایط، هیچ خلق و خوئی زمینه تعالی پیدا نمی‌کند و عمل صالحی بارور نمی‌شود؛ اما اسلام با زدن رنگ الهی به ارتباطات انسانی در جامعه اسلامی، سعی در ایجاد توسعه روابط صمیمانه بین افراد کرده است تا در پرتو ارتباطات

رشد یافته و سالم، نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن در افراد تأمین گردد و پیوندهای عاطفی میان افراد فراگیر شود تا سرانجام، زمینه شکوفایی انسانها فراهم آید. بر کسی پوشیده نیست وقتی انسان به خدا محبت دارد، به خلق خدا نیز عشق می‌ورزد و از خودخواهی و خودمحوری جدا می‌شود. این روح نوع دوستی در همه ابعاد روابط انسانی نمود می‌یابد؛ پس چنین کسی هم در خانواده و هم در اجتماع، مظهر عشق خدا می‌شود و چنین رویکردی در سبک زندگی اسلامی باعث تحکیم رابطه افراد خانواده و تقویت روابط انسانی در اجتماع می‌گردد (حمیدان‌پور و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۵۸).

نتیجه‌گیری

تولگی و تبری یکی از تعالیمی است که دین اسلام ما را به آن فراخوانده و یکی از اصول اساسی در سبک زندگی اسلامی است. محبت الهی و به تبع آن بیزاری از دشمنان او افزون بر زندگی فردی بر روابط اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد.

بر اساس آنچه گفته شد از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی تولگی و تبری در سبک زندگی اسلامی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. وحدت و انسجام اجتماعی؛ ۲. جهت‌دهی ارتباطات و رفتارهای اجتماعی؛ ۳. دراماندن ماندن از توطئه‌های دشمن؛ ۴. بی‌پروایی از ملامت‌ها؛ ۵. رفع گرفتاری‌های مردم؛ ۶. تقویت پیوند قلبی و عاطفی میان افراد جامعه.

تولگی و تبری از مهم‌ترین اصول سبک زندگی اسلامی انسان است که ریشه در توحید و ولایت‌مداری دارد. بی‌گمان نقش تولگی و تبری در حوزه تعاملات و روابط اجتماعی بیش از هر عرصه و حوزه دیگر است؛ زیرا نگرش انسان را سامان و جهت می‌دهد و در سایه آن بسیاری از مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قابل حل خواهد بود؛ از این رو با توجه به اینکه امروزه رفتارهای انسان‌ها دچار خدشه شده و تعالیم اسلام و ارزش آن به فراموشی سپرده شده است، باید به تأثیر تولگی و تبری بر روابط و تعاملات اجتماعی افراد، تأکید بیشتری شود و افراد آن را در اولویت زندگی فردی و اجتماعی خود قرار دهند.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. آتشین صدف، عبدالرضا. (۱۳۹۲). مفهوم‌شناسی، پیشینه و مؤلفه‌های سبک زندگی دینی. پایش سبک زندگی، (۱)، صص ۲۱-۱۴.
۲. آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۴۹). مقدمه‌ای بر کتاب الشعر و الشعراء ابن قتیبه. مقالات و بررسی‌ها، (۱)، صص ۲۹-۱۰۳.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا 7 (مصحح: مهدی لاجوردی، ج ۲، چاپ اول). تهران: نشر جهان.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۱۲ق). المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک (محقق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۲، چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول ۹ (مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم). قم: جامعه مدرسین.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (محقق: عبدالسلام محمد هارون، ج ۶، چاپ اول). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (محقق: جمال‌الدین میردامادی، ج ۱۰ و ۱۵، چاپ سوم). بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۸. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان. (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن (ج ۲، چاپ اول). قم: مؤسسه بعثه.
۹. احمدی، فاطمه. (۱۳۹۳). مصادیق و معیارهای تولی و تبری در قرآن و حدیث. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، ایلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). المحاسن (مصحح: جلال‌الدین محدث، ج ۱، چاپ دوم). قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. بهار، محمدتقی. (۱۳۶۹). سبک‌شناسی (ج ۱، چاپ پنجم). تهران: امیرکبیر.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم (مصحح: مصطفی درایتی، چاپ اول). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۳. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال. (۱۳۹۵ق). الغاراتا أو الإستنفا و الغارات (مصحح: جلال‌الدین محدث، ج ۲، چاپ اول). تهران: انجمن آثار ملی.
۱۴. جعفری، یعقوب. (۱۳۷۶). تفسیر کوثر (ج ۲، چاپ اول). قم: هجرت.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). شریعت در آینه معرفت، قم: مؤسسه فرهنگی رجاء.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). مبادی اخلاق در قرآن، قم: اسراء.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). فلسفه تولی و تبری از نگاه قرآن و روایات. پاسدار اسلام، (۳۲۵)، صص ۶-۱۰.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ الف). تفسیر موضوعی قرآن کریم (جامعه در قرآن). (ج ۱۷، چاپ سوم). قم: اسراء.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ ب). تسنیم تفسیر قرآن کریم (محقق: عبدالکریم عابدینی، ج ۲، چاپ دوم). قم: اسراء.
۲۰. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). تاج اللغة و صحاح العربیة (ج ۶، چاپ اول). بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۱. حاجی صادقی، عبدالله. (۱۳۸۹). ولایت محوری (چاپ اول). قم: زمزم هدایت.
۲۲. حمیدان پور، اسما؛ و طباطبایی امین، طاهره. (۱۳۹۸). آثار تربیتی محبت الهی با تکیه بر آموزه‌های آیات و روایات. بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۶ (۴۸)، صص ۳۳-۶۲.
۲۳. خامنه‌ای، علی. (۱۳۷۰). حدیث ولایت. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۴. حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۸۰). دانشنامه جهان اسلام، مقاله اسماعیل باعستانی (ج ۸، چاپ اول). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۲۵. حکیم، محمدباقر. (۱۳۷۷). وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت (محقق: عبدالهادی فقهی‌زاده). تهران: تبیان.
۲۶. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا (چاپ اول). تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی الفاظ القرآن (چاپ اول). بیروت: دارالعلم.

۲۸. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی. (بی تا). النوادر (مصحح: احمد صادقی اردستانی، چاپ اول). قم: دارالکتاب.
۲۹. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۹۷۹م). اساس البلاغه (ج ۱، چاپ اول). بیروت: دار صادر.
۳۰. سلیمی، علی و محمد داودی. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی کجروی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۳۱. شعیری، محمد بن محمد. (بی تا). جامع الاخبار (ج ۱، چاپ اول). نجف: مطبعة حیدریه.
۳۲. شکوری، ابوالفضل. (۱۳۷۷). فقه سیاسی اسلام (چاپ دوم). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۳). قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۲، چاپ دوم). لبنان - بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۶. عقیلی حلبی (ابن العدیم)، عمر بن احمد (۱۴۰۸ق). بغیة الطلب فی تاریخ حلب (محقق: سهیل زکار، ج ۸، چاپ اول). بیروت: مؤسسة البلاغ.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین (ج ۵، چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
۳۸. فرقانی، قدرت‌الله؛ وفا جعفر؛ و حیدری احمد. (۱۳۹۰). تولی و تبری در قرآن. قم: انتشارات زمزم هدایت.
۳۹. فیضی، مجتبی. (۱۳۹۲). درآمدی بر سبک زندگی اسلامی. مجله معرفت، (۱۸۵)، صص ۲۷ - ۴۷.
۴۰. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی (ج ۲، چاپ دوم). قم: مؤسسه دارالهجرة.
۴۱. قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن (ج ۱، چاپ ششم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۴ق). الکافی (مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۳، چاپ چهارم). بیروت: دارالاسلامیه.
۴۳. کوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی (مصحح: محمد کاظم، چاپ اول)، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الارشاد الاسلامی.

۴۴. لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ (مصصح: حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول). قم: دارالحدیث.
۴۵. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار (ج ۲۷، ۲۶ و ۶۷، چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. محمدی، روح الله. (۱۳۹۵). سبک زندگی در حوزه تعاملات اجتماعی از دیدگاه قرآن و حدیث. رساله دکتری علوم قرآن و حدیث. تهران: دانشگاه الهیات و معارف اسلامی.
۴۷. مصطفوی، سیدحسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۱، چاپ اول). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). آشنایی با قرآن (ج ۵، چاپ دوم). تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). سیری در سیره نبوی. تهران: صدرا.
۵۰. معین، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی معین. تهران: امیر کبیر.
۵۱. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق الف). الاختصاص (مصصح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، چاپ اول). قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۵۲. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الأملی (تحقیق و تصحیح: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، چاپ اول). قم: کنگره شیخ مفید.
۵۳. مهدوی کنی، محمدسعید. (۱۳۹۰). دین و سبک زندگی: مطالعه موردی شرکت کنندگان در جلسات مذهبی تهران. رساله دکتری معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق ۷.
۵۴. نراقی، ملا احمد. (۱۳۸۷). معراج السعادة (چاپ اول). اصفهان: خاتم الانبیاء.
۵۵. نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (ج ۳ و ۸، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
۵۶. نیکویی، علی. (۱۳۸۴). آثار تربیتی، سیاسی و اجتماعی تولی و تبری. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث. قم: دانشکده اصول الدین.
۵۷. وبستر، میریام. (۱۳۷۹). لغت نامه میریام وبستر. تهران: ابتدا.
۵۸. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر. (۱۳۷۶). تفسیر راهنما (ج ۴، چاپ دوم). قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۵۹. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر راهنما (ج ۳، چاپ دوم). قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶۰. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر. (۱۳۸۸). فرهنگ قرآن (ج ۷، چاپ سوم). قم: بوستان کتاب.
۶۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۵۸ق). تاریخ الیعقوبی (تحقیق و ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، ج ۲، چاپ دوم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
62. Kerr, J. (2000). *Community health promotion: challenge for practice*, Birmingham: Tindhal press.
63. *Oxford Advanced Learner's Dictionary*. (1987). Eds. A. S. Hornby, E. V. Gatenby, and H. Wakefield, New York: Oxford University Press.



References

* *Holy Quran.*

1. Ahmadi, F. (1393 AP). *Examples and criteria of ablution in the Qur'an and Hadith* (Master's thesis, Faculty of Theology and Islamic Studies). University of Ilam. [In Persian].
2. al-Kulayni, M. (1414 AH). *Usul al-Kafi* (A. A. Ghaffari & M. Akhundi, Eds., 4th ed., Vol. 3). Beirut: Islamic Islamic Party. [In Arabic].
3. al-Raghib Isfahani, H. (1412 AH). *Vocabulary in the words of the Qur'an* (1st ed.). Beirut: Dar Al-Alam. [In Arabic].
4. al-Tamimi, A. W. (1366 AP). *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim* (M. Drayati, Ed., 1st ed.). Qom: Islamic Propaganda Office. [In Arabic].
5. al-Zamakhshari. (1979). *Basis of rhetoric* (1st ed., Vol. 1). Beirut: Dar Sader. [In Arabic].
6. Atashin Sadaf, A. R. (1392 AP). Conceptual background and components of religious lifestyle. *The monitoring of lifestyle*, (1), pp. 21-14. [In Persian].
7. Azarnoosh, A. (1349 AP). An introduction to the book of poetry and poets by Ibn Qutaybah. *Articles and Reviews*, (1), pp. 29-103. [In Persian].
8. Bahar, M. T. (1369 AP). *Stylistics* (5th ed., Vol. 1). Tehran: Amirkabir. [In Persian].
9. Bahrani, S. H. (1374 AP). *al-Burhan Fi Tafsir al-Quran* (1st ed., Vol. 2). Qom: Be'sat Institute. [In Persian].
10. Barqi, A. (1371 AH). *al-Mahasen* (J. Muhaddith, Ed., 2nd ed., Vol. 1). Qom: Islamic Library. [In Arabic].
11. Dekhoda, A. A. (1373 AP). *Dekhoda Dictionary* (1st ed.). Tehran: University of Tehran. [In Persian].
12. Farahidi, Kh. (1409 AH). *Kitab al-Ayn* (2nd ed., Vol. 5). Qom: Hijrat. [In Persian].
13. Fayumi, A. (1414 AH). *al-Misbah al-Munir in Gharib al-Sharh al-Kabir al-Rafi'i* (2nd ed., Vol. 2). Qom: Hijra Institute. [In Arabic].
14. Feizi, M. (1392 AP). An Introduction to the Islamic Lifestyle. *Ma'rifat*, (185), pp. 27-47. [In Persian].

15. Forqani, Q., Wafa, j., & Heidari, A. (1390 AP). *Tawala and Tabara in the Quran*. Qom: Zamzam Hedayat. [In Persian].
16. Qorashi Bonabi, A. A. (1371). *Qamus al-Quran* (6th ed., Vol. 1). Tehran: Islamic Library. [In Persian].
17. Haddad Adel, Gh. A. (1380 AP). *Encyclopedia of the Islamic World* (I. Baghestani, Ed., 1st ed., Vol. 8). Tehran: Academy of Persian Language and Literature. [In Persian].
18. Haji Sadeghi, A. (1389 AP). *Province-centered* (1st ed.). Qom: Zamzam Hedayat. [In Persian].
19. Hakim, M. B. (1377 AP). *Islamic unity from the perspective of Quran and Sunnah* (A. Fiqhizadeh, Ed.). Tehran: Tebyan. [In Persian].
20. Hamidanpour, A., & Tabatabaei Amin, T. (1398 AP). Educational works of divine love based on the teachings of verses and hadiths. *Islamic Insight and Education*, 16(48), pp. 33-62. [In Persian].
21. Hashemi Rafsanjani, A. A. (1376 AP). *Tafsir Rahnama* (2nd ed., Vol. 4). Qom: Islamic Propaganda Office Publishing Center. [In Persian].
22. Hashemi Rafsanjani, A. A. (1377 AP). *Tafsir Rahnama* (2nd ed., Vol. 3). Qom: Islamic Propaganda Office Publishing Center. [In Persian].
23. Hashemi Rafsanjani, A. A. (1388 AP). *Quran Culture* (3rd ed., Vol. 7). Qom: Book Garden. [In Persian].
24. Ibn al-Adim. (1408 AH). *The price of students in the history of Aleppo* (S. Zakar, Ed., 1st ed., Vol. 8). Beirut: Institute of Rhetoric. [In Arabic].
25. Ibn al-Jawzi, A. (1412 AH). *Organized in the history of nations and kings* (M. A. Q. Atta & M. A. Q. Atta, Ed., 1st ed., Vol. 2). Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic].
26. Ibn Babawiyah, M. (1378 AH). *Uyoun Akhbar al-Reza* (PBUH) (M. Lajevardi, Ed., Vol. 2, 1st ed.). Tehran: Jahan Publishing. [In Arabic].
27. Ibn Faris, A. (1404 AH). *Dictionary of Comparative Language* (A. S. Mohammad Haroon, Ed., 1st ed., Vol. 6.). Qom: Islamic Media School. [In Arabic].
28. Ibn Manzur. (1414 AH). *Arabic Language* (J. Mirdamadi, Ed., 3rd ed., Vols.

- 10 & 15.). Beirut: House of Thought for Printing, Publishing and Distribution. [In Arabic].
29. Ibn Shu'ba al-Harrani, H. (1404 AH). *Tuhaf al-Uqul* (A. A. Ghaffari, Ed., 2nd ed.). Qom: Teachers Association. [In Arabic].
30. Jafari, Y. (1376 AP). *Tafsir Kawsar* (1st ed., Vol. 2). Qom: Hijrat.
31. Javadi Amoli, A. (1372 AP). *Sharia in the Mirror of Knowledge*. Qom: Raja Cultural Institute. [In Persian].
32. Javadi Amoli, A. (1378 AP). *Principles of Ethics in the Quran*. Qom: Esra. [In Persian].
33. Javadi Amoli, A. (1387 AP). *Tawala and Tabara philosophy from the perspective of Quran and narrations. Pasdar-e-Islam*, (325), pp. 6-10. [In Persian].
34. Javadi Amoli, A. (1389 AP). *Tafsir Tasnim* (A. Abedini, Ed., 2nd ed., Vol. 2). Qom: Esra. [In Persian].
35. Javadi Amoli, A. (1389a AP). *Thematic interpretation of the Holy Quran (society in the Quran)*. (3rd ed., Vol. 17). Qom: Esra. [In Persian].
36. Johari, I. (1376 AH). *The crown of language and the Arabic language* (1st ed., Vol. 6). Beirut: Dar Al-Alam illions. [In Persian].
37. Kerr, J. (2000). *Community health promotion: challenge for practice*. Birmingham: Tindhal press.
38. Khamenei, Ali. (1370 AP). *Hadise welayat*. Tehran: Islamic Development Organization. [In Persian].
39. Kufi, F. (1410 AH). *Tafsir Furat Kufi* (M. Kazem, Ed., 1st ed.). Tehran: Printing and Publishing Institute in the Ministry of Islamic Guidance. [In Arabic].
40. Laythi al-Wasiti, A. (1376 AP). *Uyun al-hikam wa-al-mawa'iz* (H. H. Birjandi, Ed., 1st ed.). Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic].
41. Mahdavi Kani, M. S. (1390 AP). *Religion and Lifestyle: A Case Study of Participants in Religious Sessions in Tehran* (doctoral dissertation, Islamic Education and Culture and Communication). Tehran: Imam Sadegh (PBUH) University. [In Persian]

42. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (2nd ed., Vols. 27, 66 & 67). Beirut: Dar Al-Ihya Al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
43. Moein, M. (1382 AP). *Moein Dictionary*. Tehran: Amirkabir. [In Arabic].
44. Mohammadi, R. (1395 AP). *Lifestyle in the field of social interactions from the perspective of Quran and Hadith* (doctoral dissertation, Faculty of Quran and Hadith Sciences). Tehran: University of Theology and Islamic Studies. [In Persian]
45. Mostafavi, S. H. (1360 AP). *Investigation in the words of the Holy Quran* (1st ed., Vol. 1). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
46. Motahari, M. (1381 AP). *Familiarity with the Qur'an* (2nd ed., Vol. 5). Tehran: Imam Sadegh (PBUH) University. [In Persian]
47. Motahhari, M. (1368 AP). *Seiry dar sirey'e nabavi (A Journey through the Prophetic Conduct)*. Tehran: Sadra. [In Persian]
48. Mufid, M. (1413 AH). *al-Amali* (H. Ostad Wali & A. A. Ghaffari, Ed., 1st ed.). Qom: Sheikh Mofid Congress.
49. Mufid, M. (1413 AH). *al-Ikhtisas* (A. A. Ghaffari & M. Moharremi Zarandi, Ed., 1st ed.). Qom: The world leader for Sheikh Al-Mufid. [In Arabic].
50. Naraqi, M. M. (1387 AP). *Miraj al-saadah* (1st ed.). Isfahan: Khatam al-Anbiya. [In Arabic].
51. Nikooei, A. (1384 AP). *Educational, political and social works of Tawala and Tabara* (Master's thesis, Faculty of Quranic and Hadith Sciences). Qom: Faculty of Principles of Religion. [In Persian]
52. Nouri, H.. (1408 AH). *Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il* (1st ed., Vols. 3 & 8). Qom: Al-Albait Institute Heritage Revival. [In Arabic].
53. *Oxford Advanced Learner's Dictionary*. (1987). (A. S. Hornby, E. V. Gatenby, & H. Wakefield, Eds.). New York: Oxford University Press.
54. Ravandi Kashani, F. (n.d.). *al-Nawadir* (A. Sadeghi Ardestani, Ed., 1st ed.). Qom: Dar Al-Kitab. [In Arabic].
55. Salimi, A., & Davoodi, M. (1380 AP). *Sociological curvature*. Qom: Research Institute and University. [In Persian]

56. Shaeiri, M. (n.d.). *Jami al-Akhbar* (1st ed., Vol. 1). Najaf: Heydari Press. [In Arabic].
57. Shakuri, A. (1377 AP). *Political Jurisprudence of Islam* (2nd ed.). Qom: Islamic Propaganda Office Publications. [In Persian]
58. Tabarsi, F. (1372 AP). *The Complex Statement in Explanation of Holy Quran* (3rd ed.). Tehran: Nasser Khosrow Publications. [In Arabic].
59. Tabatabaei, S. M. H. (1373 AP). *Quran in Islam*. Tehran: Islamic Library. [In Persian]
60. Tabatabaei, S. M. H. (1390 AH). *al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (2nd ed.). Beirut: Scientific Foundation. [In Arabic].
61. Thaghafi, I. (1395 AH). *al-Gharat aw al-Istinfar wa al-Gharat* (J. Muhaddith, Ed., 1st ed., Vol. 2). Tehran: National Works Association. [In Arabic].
62. Webster, M. (1379 AP). *Miriam Webster Dictionary*. Tehran: Ebteda.
63. Yaqubi, A. (1358 AH). *History of Ya'qubi* (M. I. Ayati, Trans., 2nd ed., Vol. 2). Tehran: Book Translation and Publishing Company. [In Arabic].